

سبک نگارش و تالیف

- ۴ -

امرای مستقل در قرن سوم :

در قرن سوم هجری ضعف حکومت عباسی و تجزیه کشور پهناور آنها شروع شد و چندین سلسله مستقل در اطراف مملکت بنام آل طاهر ، بنی دلف ، بنی طولون ، علویان ، صفاریان سامانیان ، بنی ساج تشکیل یافت بعضی از این سلسله‌ها در این قرن تشکیل و هم در این قرن منقرض شد و بعضی دوره فرمانروائی آنها تا قرن چهارم امتداد یافته است ، قسم اول حکومت طاهریان در خراسان بود و بنی دلف در کردستان و بنی طولون در مصر و شام و صفاریان در خراسان و کرمان و فارس و قم ، دوم حکومت بنی ساج در آذربایجان و علویان در ولایات ساحلی بحر خزر و سامانیان در ماوراءالنهر خراسانست .

آل طاهر ایرانی نژاد و عموماً بجوانمردی و بزرگواری معروف و حامی و مشوق ادبا و دانشمندان بوده‌اند معروفترین آنها عبدالله ابن طاهر است که از بذل و احسان او در حق دانشمندان حکایات متعدد آورده‌اند و از آن حکایات چنین مستفاد میشود که این خانواده جز بلم و ادب عربی توجهی نداشتند .

بنی دلف تازی نژاد و سرسلسله آنها ابودلف عجلی از سرداران مأمون بود که فن موسیقی را خوب میدانست و شعر تازی نیک می‌گفت و از جود و عطای او نسبت بشعر او ادبا در کتب ادب حکایات متعدد آورده‌اند .

بنی طولون در مصر و شام حکومت مستقل داشتند . طولون جد این خانواده غلام یکی از امرای سامانی بود و امیر سامانی او را برای مأمون هدیه فرستاده بود . احمد پسر طولون تربیت یافته و دانشمند و فقیه و پرهیزکار بود . در مصر مسجد جامع و بیمارستان و بناهای خیر دیگر بنا کرد در نزدیکی قصر خود محلی ساخته و دوازده نفر مؤذن و قرآن خوان راموظف ساخته بود که شبها بطریق نوبت در آنجا بسر برند و در آخر شب به لحنی خوش قرآن و اشعار حکمت آمیز بخوانند . ابن طولون در مصر میدانی با شکوه و مجلل ساخته بود شعرا در وصف این میدان قصاید بسیار گفته‌اند . یکی از دانشمندان حکایت می‌کرد که وقتی فهرست اسامی شعرا که در وصف آن میدان گفته بودند دیدم و آن کتابی مشتمل بر دوازده جزوه بود . از این حکایت میتوان دریافت که بذل و احسان این امیر نسبت به اهل فضل و ادب تا چه پایه بوده است . صفاریان چنانکه میدانیم ایرانی خالص بودند و حکومت آنها نخستین حکومت مستقل ایرانی بعد از اسلام محسوب میشود امرای صفاری عربی نمی‌دانستند

و همین معنی سبب شد که در زمان یعقوب بن لیث شعر فارسی گفتن معمول گردید و نخستین کسیکه بفارسی شعر گفت بنا به روایتی محمد بن وصیف بود. از رفتار سفاریان نسبت بادبا و علماء حکایت مخصوصی در تاریخ نیاورده اند لیکن تأثیر ظهور این خانواده در ترویج ادب فارسی انکار پذیر نیست.

بنی ساج از اولاد ابوالساج دیواد بودند. پسر ابوالساج که محمد افشین نام داشت در آذربایجان حکومتی مستقل تشکیل داد و ارمنستان را نیز فتح کرد. برادر او یوسف مشهور ترین این سلسله است و او را بسبب محامد اخلاق و کمال جود و کرم الشیخ الکریم می گفتند.

و اما علویان طبرستان نخستین ایشان حسن بن زید معروف بداعی کبیر است که در شجاعت و بزرگی بی نظیر بود داعی کبیر علاوه بر شجاعت دانشمندو ادیب و سخن شناس بود. شعرا را اکرام و اشعار آنها را انتقاد می کرد. علویان قریب شصت سال در طبرستان و گیلان و دیلم حکومت کردند و بدست سامانیان و آل زیار منقرض شدند.

و اما سامانیان یگانه خانواده ایرانی است که بنیاد فرمانروایی خود را بر ترویج علوم و ادبیات گذارده و مخصوصاً نشر و ترویج نظم و شرفارسی را یکی از مقاصد سیاسی خود قرار داده است در روزگار این سلسله شعر فارسی روی به ترقی نهاد و گویند گانی مانند دود کی و دقیقی پیدا شدند.

نوشتن کتاب بفارسی نیز در زمان این سلسله شروع شده و اثری که از آن زمان در دست داریم ترجمه تاریخ و تفسیر طبری است. مترجم تاریخ طبری ابوعلی بلخی وزیر منصور بن نوح ساسانی است و ترجمه تفسیر هم بسمی و همت او و امیرش بممل آمده است و زرای عصر سامانی عموماً دانشمند و در نظم و نشر فارسی و تازی استاد بوده اند و بطور کلی باید دانست که در آن زمان کسی را که فاقد این شرط بود به وزارت انتخاب نمی کردند. در زمان سامانیان بخارا مرکز علمی شد و بعد از بخارا سمرقند و نیشابور و مرو و طوس و دیگر بلاد مهم خراسان مرکزیت علمی یافت و در هر شهر حوزه های تدریس و مجمع های علمی کتابخانه های مهم تشکیل یافت ملوک و وزرای این سلسله را که مروج علم و ادب و مشوق نویسندگان و مؤلفین بوده اند در قرن چهارم نام خواهیم برد و امرای سلسله های دیگر که می توانیم نامشان را در ردیف مروجین علم و ادب بشمریم اشخاص ذیلند:

احمد بن طولون ، ابودلف عجلی ، عبدالله بن طاهر ، یعقوب بن لیث ، یوسف بن ابوالساج داعی کبیر ، زید بن حسن.

قرن چهارم :

در این قرن سامانیان در خراسان و ماوراءالنهر حکومت داشتند (باستثنای یازده سال آخر) و در سایر قسمت های ایران دو خانواده آل زیار و آل بویه در ترویج علم و ادب تالی سامانیان بودند ، و در اواخر این قرن خراسان بدست غزنویان افتاد و دوره محمود غزنوی که جلال و شکوه آن مربوط بقرن بعد است شروع شد حکومت مستقل دیگری در این قرن

در موصل و حلب تشکیل یافت که هم در این قرن منقرض شد و آن حکومت آل حمدان است که مؤسس آن حسن ناصرالدوله و علی سیفالدوله دویسر عبدالله بن حمدان بودند که اولین در موصل و دیار بکرو دومین در حلب و شام و با استقلال فرمانروائی کردند و اعقاب هر یک از این دو برادر در قلمرو حکمرانی خود تا مدتی مستقل بودند .

در مصر و قسمتی از شام نیز سلسله‌ای بنام اخشیدیان تشکیل یافت مؤسس این سلسله محمد بن طمع فرغانی بود که در سال ۳۲۳ حکومت مصر یافت و در آنجا نسبت اخشید (شاهنشاه) را که خاص پادشاهان فرغانه بود اختیار کرد و حکومتی مستقل که ۳۵ سال طول کشید بنیان نهاد.

آزبایار که در گرگان و طبرستان فرمانروا بودند با هلاقه بزبان عربی نسبت بعلوم و ادبیات فارسی توجه مخصوصی مبذول می‌داشتند برخلاف آل بویه که علاقه آنها بشعر و ادب تازی بیشتر بود و با وجود این از تشویق گویندگان و نویسندگان فارسی خودداری نمی‌کردند ، تمام امرای خانواده‌هایی که یاد کردیم و بزرگان و رجال دولت آنها عموماً مروج علم و ادب بودند و برعایت اختصار بذکر اسامی چند نفر که خدمات آنها بعلوم و ادب بیشتر یا نمایانتر بوده است اکتفا می‌کنیم :

۱- نصر بن احمد دوم ساسانی : این امیر پیوسته معاشر و مجالس علما بود . رودکی در زمان او بنظم کلیله و دمنه مأمور شد و ابوالفضل بلعمی در زمان وی وزارت داشت و اوست که رودکی را تربیت کرده است.

۲- منصور بن نوح اول سامانی - وزیر او ابوعلی بلعمی بود که بامر این امیر بترجمه تاریخ طبری اقدام کرد تفسیر طبری را هم بعهده‌ای از علمای بخارا امر کرد که بفارسی ترجمه کنند. دقیقی در زمان این امیر بنظم شاهنامه اقدام کرد و ابو منصور موفق‌هراتی کتاب الابنیه عن حقایق الادویه را بفارسی تألیف کرد . در زمان منصور بن نوح کتابخانه سامانیان بانواع کتب علمی و نسخه‌های نفیس مشحون گردید و همین کتابخانه بود که نوح بن منصور ابوعلی سینا را اجازه داد که از آن استفاده کند و ابوعلی چندین ماه در آن کتابخانه بسر برد و غفلت او سبب آتش گرفتن و سوختن کتابخانه شد (۱).

۳ - شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر ، از امرای آل زیار امیری دانشمند و در نظم و نثر تازی بی نظیر بود به صحبت علما و دانشمندان رغبت بسیار داشت . ابوریحان بیرونی کتاب الآثار الباقیه را بنام او تألیف کرده است ، و بزرگان شعرای عصر او را مدح گفته‌اند، ثعالبی در یتیمه‌الدهر اشعار او را یاد کرده است .

۴ - عضدالدوله دیلمی - شهریاری دانشمند و دربارش مجمع فضلاء و ادبا بود ابواسحق صابی (ستاره پرست) کتاب التاج (التاجی) را و ابوعلی فارسی کتاب ایضاح و تکمله را بنام او تألیف کرده است .

۵ - سیف‌الدوله بن حمدان - وی ادیب و شاعر و دوستدار شعرا بود و معروفست که اگر او و صاحب بن عباد در این قرن نبودند شعر عربی که روی بشنزل نهاده بود بار دیگر

ترقی نمی کرد ، در دربار او همیشه عده‌ای از شعرای نامی از قبیل متنبی و ابوفراس و عده‌ای از دانشمندان از قبیل ابن خالویه نحوی مجتمع بودند.

۶- کافور اخشیدی - وی بنده زر خرید محمد بن طنج بود و چون لباقت و خردمندی داشت ترقی یافت تا بامارت رسید و پس از مرگ محمد باتا بکی پسران او معین شد و قریب نوزده سال رسماً سلطنت کرد ولی نام پادشاهی با پسران محمد بود (انوجور و علی) و مدت دو سال و چند ماه هم مستقلاً پادشاه مصر بود . کافور مردی خردمند و زیرک و کریم و سخی بود در علم و ادب نیز دست داشت از حسن اخلاق و تواضع او حکایتهای آورده اند ، در دربار او شعرای نامی مانند متنبی و علماء بزرگی از قبیل ابواسحق نحوی مجتمع بودند از عادات کافور این بود که شبها تا مدتی می نشست و دانشمندان برای او کتب سیر و تواریخ می خواندند .

۷- ابوالفضل محمد بن عبدالله بلمی - وزیر نصر بن احمد سامانی و مدوح رودکی و شهید بلخی که قبلاً نام او را یاد کردیم .

۸- ابو علی محمد بن محمد بلمی - وزیر عبدالملک اول و منصور اول سامانی که تاریخ طبری را ترجمه کرد و علماء را بترجمه تفسیر طبری واداشت .

۹- ابوالفضل بن الممید - وزیر رکن الدوله و عضد الدوله دیلمی ، این وزیر در علوم ادبیه و فقه و تفسیر و فلسفه و منطق و ریاضیات استاد یگانه و در نظم و نثر عربی سرآمد گویندگان و نویسندگان بود ، و پیوسته گروهی از دانشمندان در خدمت و صحبت او بودند. نامه های عربی او بهترین نمونه فصاحت و بلاغت است و او نخستین کسی است که در نثر عربی بکار بردن صنایع بدیع را معمول ساخت ، متنبی او را مدح بسیار گفته و تالی ارسطو شمرده است.

۱۰- کافی اللغات اسمعیل بن عباد معروف بصاحب - وزیر مؤید الدوله و فخر الدوله دیلمی فضائل و مقامات او بیش از آنست که در بیان بگنجد و در مدح او همین بس که از آغاز جوانی تا پایان زندگانی يك دم از افاده و استفاده علمی فارغ نبود . به همنشینی با دانشمندان میلی عظیم داشت و مجلسهای مناظره و مباحثه تشکیل میداد . بر جمع کتاب حرص و ولعی عجیب داشت و کتابخانه او را گفته اند که مشتمل بر ۱۲۰ هزار جلد کتاب بوده است و برخلاف اغلب جمع کنندگان کتاب از دادن کتاب بدیگران مضایقه نمی کرد و بیشتر کتابهای خود را در دسترس اهل علم و فضل نهاده بود دربار او را در بسیاری عده شعر است تالی دربار هرون الرشید دانسته اند .

« یقیمه دارد »

